دوستی یا دشمنی چین نقش تسلیحاتی چین در جنگ تحمیلی

رفعتی، جهانگیر

از آب گل‌آلود جنگ ایران و عراق هرکسی ماهی دلخواه خودش را می‌گرفت و اگر کسی خیال کند مواضع دوستانه یا دشمنانه یا حتی بی‌طرف کشورهای جهان در قبال جنگ ایران و عراق با ملاحظات انسان‌دوستانه توأم بوده است، شاید بهتر باشد اسناد موجود مواضع کشورهای گوناگون در مورد جنگ ایران و عراق را بیشتر مرور کند، اما سطح انصاف کشورهای موثر جهانی، ولو به‌ اقتضای منافع ملی خاص خودشان، با یکدیگر تفاوت داشت. در این میان، چین به‌عنوان یک عضو دائمی شورای امنیت و یک قدرت بزرگ جهانی و منطقه‌ای دارای مواضع نسبتا منصفانه‌تری نسبت به جنگ ایران و عراق بود. گرچه رفتارهای بی‌طرفانه و منصفانه چین در جنگ ایران و عراق خارج از منافع ملی آن کشور تعریف نمی‌شود، اما به‌هرحال باعث کسب امتیازات و امکانات فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران گردید و سهم زیادی در توازن سیاسی و نظامی ایران در جنگ با عراق داشت. چین به‌عنوان اولین فروشنده تجهیزات نظامی و مهمترین مدافع سیاسی ایران در صحنه جهانی نه‌تنها با کمک به ایران مانع از رقم‌خوردن سرنوشت جنگ به‌سود غرب شد، توانست در پایان‌گرفتن عادلانه جنگ از طریق قطعنامه 598 تاثیر مهمی داشته باشد. مختصری از چگونگی مواضع و روابط خارجی چین در قبال جنگ ایران و عراق را در مقاله زیر مطالعه خواهید فرمود.

جمهوری خلق چین در نیم‌کره شمالی و در قسمت شرقی قاره آسیا و ساحل غربی اقیانوس آرام واقع است و با 6/9 میلیون کیلومتر مربع مساحت، سومین کشور بزرگ جهان محسوب می‌شود. این کشور با بیست‌ودوهزاروهشتصد کیلومتر مرز مشترک از شرق با کره شمالی، از شمال با مغولستان، از شمال‌شرقی با روسیه، از شمال‌غربی با قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، از غرب با افغانستان، پاکستان، هند و نپال، از جنوب غربی با میانمار و از جنوب با لائوس و ویتنام هم‌مرز است. علاوه‌براین، چین با کشورهای کره جنوبی، ژاپن، فیلیپین، برونئی و مالزی مرز آبی دارد. پایتخت چین شهر باستانی پکن با پیشینه تاریخی سه‌هزارساله است.[1] جمهوری خلق چین در جهت‌گیری سیاست خارجی، کشوری غیرمتعهد و از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌‌شود. مبنای اصلی سیاست خارجی چین در دوره دنگ شیائوپنگ (معمار اصلاحات چین) سیاست درهای باز و نوعی عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در دهه 1980 میلادی بود. ویژگیهای اصلی این سیاست عبارت بودند از: کنارگذاشتن اخلاقیات (که وجه غالب سیاست خارجی مائو بود)، برقراری روابط با کشورهای مختلف جهان بدون توجه به نوع نظامهای سیاسی و اقتصادی آنها و بر اساس منافع ملی، منطقه‌گرایی و توجه به منطقه خلیج‌فارس و خاورمیانه به‌خاطر نفت و بازار مصرف آن، نزدیکی به غرب و امریکا و بروز شکاف در مناسبات چین و شوروی.[2] در این چارچوب، چین در قبال جنگ ایران و عراق سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفت. سیاست اعلامی و رسمی آن، بی‌طرفی و سیاست اعمالی آن تقویت بنیه نظامی و ایجاد نوعی توازن میان دو کشور درگیر جنگ بود. دولت دنگ شیائوپینگ که روابط نوپایی را با امریکا و دنیای غرب در آغاز دهه 1980 برقرار کرده بود، به‌هیچوجه تمایل نداشت به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق ــ که از پشتیبانی غرب برخوردار بود ــ این مناسبات را تخریب نماید. به‌همین‌دلیل هرگز حاضر نشد عراق را به‌خاطر شروع جنگ محکوم نماید.[3] چین با آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در بیست‌ودوم سپتامبر 1980 (سی‌ویکم شهریور 1359) اعلان بی‌طرفی کرد و بدون اشاره به آغازگر جنگ، از دو کشور خواست به جنگ پایان دهند. این کشور در نخستین روزهای جنگ، همراه با چهار عضو دائمی دیگر شورای امنیت، پس از مشورتهای طولانی در پشت درهای بسته، توافق کردند که شورا از تشکیل جلسه رسمی برای رسیدگی به تهاجم نظامی عراق به ایران، شناسایی تجاوز و متجاوز خودداری کند و به صدور بیانیه‌ای بسنده نماید.[4] نماینده دائمی چین در شورای امنیت سازمان ملل، در جلسه بیست‌وهشتم سپتامبر 1980 (ششم مهر 1359) تصریح کرد که هیچ تعارض اصولی بین کشورهای جهان سوم وجود ندارد و اختلافات این کشورها باید از راههای صلح‌آمیز همچون مشورت یا مذاکره حل‌وفصل شود.[5] پکن که نگران به‌خطرافتادن جریان صدور نفت از خلیج‌فارس و مداخله قدرتهای بزرگ در این منطقه بود، مداخله نیروی سوم در جنگ ایران و عراق را اقدامی خطرناک دانسته و در پیگیری این سیاست به شوروی هشدار داد تا از رخداد شوم و تراژدی ایران و عراق به نفع خود بهره‌برداری نکند.[6] ازسوی‌دیگر، چین در پیشبرد سیاست اجرایی خود قرارداد فروش سلاح به بغداد را چند ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق به امضاء رساند که به موجب آن هزاروسیصد دستگاه تانک تی ــ 59 ساخت دهه 1950، آتشبار توپخانه و نفربر زرهی به مبلغ یک‌میلیارد دلار به عراق تحویل شد.[7] البته چین از طرف ‌دیگر جنگ ــ (جمهوری اسلامی ایران) نیز غافل نبود و تلاش داشت از تواناییهای این کشور در معادلات منطقه‌ای و مقابله با حضور شوروی در افغانستان و گسترش نفوذ آن در خلیج‌فارس بهره گیرد. در این چارچوب، پکن به درخواست ایران پاسخ مثبت داد و در پی بسته‌شدن کریدور هوایی در غرب کشور بر اثر وقوع جنگ، به هواپیماهای باری ایران اجازه داد از فراز آسمان آن کشور عبور کنند. اما با به‌بن‌بست‌رسیدن جنگ در ماههای پایانی سال 1359 و شش‌ماهه اول سال 1360 و تشدید بحران داخلی در ایران و افزایش احتمال فروپاشی نظام جمهوری اسلامی، چین مناسبات خود را با عراق تقویت نمود و موافقت کرد برای به‌کارانداختن کوره اتمی، اورانیوم غنی‌شده به این کشور تحویل دهد. دو کشور همچنین موافقتنامه‌ای در زمینه همکاری بازرگانی و اقتصادی در اوایل سال 1981 (1360) به امضاء رساندند. با نزدیک‌شدن نخستین سالگرد جنگ، چین از چشم‌انداز غم‌انگیز برای صلح به‌ بن‌بست ‌رسیده ابراز نگرانی کرد و تداوم جنگ ایران و عراق را وسوسه‌ای برای ابرقدرتها جهت مداخله در منطقه دانست و بر آمادگی مجدد خود برای میانجیگری پای فشرد.[8]

با آغاز پیروزیهای ایران در جبهه‌های جنگ در شش‌ماهه دوم سال 1360 و در سال 1361، مناسبات ایران و چین گسترش یافت و به دنبال سفر یک هیات ایرانی به چین تفاهم‌نامه همکاری تجاری و نظامی بین دو کشور امضاء شد. از مفاد این تفاهم‌نامه ایجاد چهار کارخانه اسلحه‌سازی برای تولید موشک، مهمات و لوازم یدکی در ایران بود. علاوه‌براین، چین متعهد شد تجهیزات نظامی از قبیل موشکهای ضدهوایی و ضدکشتی، قطعات توپخانه، لوله توپ و تفنگ و مهمات به ایران بفروشد.[9] دراین‌حال، چین به منظور حفظ توازن در جنگ در دسامبر 1982 (آذرماه 1361) قریب به صد فروند جت جنگنده اف ــ 6 با کشتی در اختیار عراق قرار داد و در ژانویه 1983 (دی‌ماه 1361) بر اساس یک معامله یک‌میلیارد دلاری، دویست‌وشصت تانک تی ــ 69 مجهز به فاصله‌یاب لیزری و تجهیزات اشعه مادون قرمز دید در شب به عراق فروخت.[10] چند ماه بعد در آوریل 1983 (بهار 1362) چین و جمهوری اسلامی ایران قراردادی رسمی بالغ بر یک‌میلیاردوسیصد‌میلیون دلار برای فروش سلاح امضاء کردند. چین در این قرارداد ملزم شد تعداد صد فروند هواپیمای جنگی جی 6 ، تانکهای تی ــ 59 ، قطعات یدکی توپهای 130 م. م. و سلاحهای سبک، طی سه سال در اختیار ایران قرار دهد.[11] با افشای این قرارداد، دولت چین تحت فشار شدید امریکا و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس قرار گرفت و موج گسترده‌ای از حملات رسانه‌ای علیه چین به راه افتاد. این حملات تا بدانجا پیش رفت که مقامات چینی مجبور شدند کلیه گزارشات را تکذیب کنند.[12] رئیس وقت پارلمان چین نیز با هدف دلجویی از کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس طی نامه‌ای به امیر کویت خواستار به‌کارگرفتن تمام تلاشهای بین‌المللی جهت خاتمه جنگ شد. در همین چارچوب، چین در نیمه دوم سال 1984 (1363) اعلام کرد چون با هر دو کشور مناسبات حسنه دارد، نقش فعالتری را در جهت یافتن راه‌حلی برای پایان‌دادن به جنگ ایران و عراق ایفا می‌کند. به دنبال آن، ووشه چیان، وزیرخارجه وقت چین، در آذرماه 1363 به ایران مسافرت کرد و طی چند دور مذاکره با مقامات ایرانی از دو کشور درگیر خواست از بمباران هدفهای غیرنظامی خودداری کنند و به توافق ژوئن 1984 پایبند باشند.[13] چین رسما اجازه صدور موشکهای استیکس با برد هشتاد کیلومتر و با تکنولوژی کهنه خود را در سال 1984 به ایران صادر کرد. به گزارش موسسه بین‌المللی بررسیهای استراتژیک لندن طی قراردادی فیمابین تهران و پکن در مارس 1985، جمهوری خلق چین متعهد شد یک‌میلیاردوششصدمیلیون دلار اسلحه شامل چهارده فروند هواپیمای جی 6 و جی 7، دویست دستگاه تانک تی ــ 59، توپهای صدوسی، موشک‌انداز ضد تانک، موشک کرم ابریشم (های نیک 2)، موشکهای کروز سی 801 و موشکهای سی. اس. آی. 1 به ایران تحویل دهد.[14] در پی این قرارداد وزرای خارجه هفت کشور عربستان سعودی، کویت، اردن، تونس، مراکش، عراق و یمن شمالی در نخستین روزهای سال 1364 (1985) به پکن سفر کردند و بر سر چهار موضوع عدم فروش سلاح به ایران، درخواست از طرفین جنگ برای عدم حمله به مناطق مسکونی، لزوم توقف جنگ و یافتن راه‌حلی برای استقرار صلح بر اساس قرارداد 1975 الجزایر گفت‌وگو کردند.[15] چند ماه بعد، هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در تیرماه 1364 به پکن سفر نمود و درباره موضوع جنگ ایران و عراق گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگوها، دنگ شیائوپینگ، رهبر چین، پیشنهاد نمود جنگ عراق و ایران تحت شرایط قابل‌قبول طرفین به‌زودی پایان یابد. در این مذاکرات، طرفین درباره فروش موشکهای زمین به زمین چینی از نوع «اسکاد یک او» و «ویک یی» به توافق رسیدند.[16] چین طبق قرارداد منعقده متعهد شد چهل فروند موشک زمین به زمین در اختیار ایران قرار دهد، مشروط‌به‌اینکه ایران تا تحویل کامل موشکها از کاربرد آنها خودداری کند و موضوع را پنهان نگه دارد. پانزده فروند از این موشکها تا مهر 1364 تحویل شد.[17] همچنین چین با فروش تجهیزات جنگی برای مدت دو سال شامل میگ‌های روسی اس ــ 19، تانکهای تی ــ54 و سلاحهای ضدهوایی برای مقابله با حملات عراق در ازای دومیلیون تن نفت خام موافقت کرد. این اقدام چین واکنش شدید کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، را در پی داشت.[18] چین به‌خاطر درامان‌ماندن از فشارهای کشورهای غربی و عربی حامی عراق به دلیل فروش مستقیم سلاح به ایران، اقلام نظامی مورد نیاز جمهوری اسلامی را از طریق کشور ثالث کره شمالی ارسال می‌کرد. بااین‌‌وجود، دولت امریکا که مناسبات ایران و چین را به‌شدت زیر نظر داشت، در مردادماه 1364 اعلام کرد چین دوازده جت جنگنده و بیست‌ودو دستگاه تانک در اختیار ایران قرار داده است.[19]

در پاییز 1364 چین اعلام کرد درصدد به‌عهده‌گرفتن نقش بیشتری در یافتن راه‌حلی برای پایان‌دادن به جنگ پنج‌ساله ایران و عراق است. به دنبال آن هیاتی به سرپرستی وزیرخارجه وقت چین، عازم منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس شد و در نخستین مرحله از سفر، وارد بغداد گردید. وی در این سفر، با تاکید بر سیاست بی‌طرفی کشورش در جنگ ایران و عراق، از تلاشهای امارات متحده عربی و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس برای پایان‌دادن به جنگ پشتیبانی ‌کرد. در ژانویه 1986 (زمستان 1364)، در پی حملات شیمیایی عراق به شهر سردشت ــ که بیش از هشت‌هزار نفر کشته و مجروح داشت ــ چین با امریکا و سایر اعضای دائمی شورای امنیت همراه شد و از اقدام فوری و موثر شورا در محکومیت عراق و از اعزام مجدد گروه تحقیق دبیرکل برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی در سردشت جلوگیری به عمل آورد. وزارت خارجه چین تنها به انتشار بیانیه‌ای در بهمن‌ماه 1364 بسنده کرد که آتش‌بس فوری در جنگ خلیج‌فارس را خواستار شده بود.[20]

در سال 1365، جمهوری خلق چین همچنان به سیاست برقراری توازن مابین دو کشور ایران و عراق درگیر جنگ ادامه داد. در بهار این سال با سفر یک هیات چینی به بغداد، موافقتنامه‌ای اقتصادی و فنی بین دو کشور به امضاء رسید. دراین‌حال، یک کمیته تخصصی مشترک صنایع شیمیایی و پتروشیمی بین ایران و چین تشکیل شد تا همکاری دو کشور را در این زمینه هماهنگ کنند و رئیس‌‌جمهوری چین در پیامی به همتای ایرانی خود، خواستار گسترش روابط متقابل ایران و چین شد.

با تشدید جنگ نفتکشها در مردادماه 1365، وزیرخارجه چین نگرانی دولت خود را از اوج‌گیری جنگ اعلام نموده و ابراز داشت این جنگ ثبات و امنیت منطقه را تهدید می‌کند. در این سال، سومین محموله از سلاحها و تجهیزات خریداری‌شده ایران از چین، شامل هیجده فروند هواپیمای چیانگ جی ــ 7 (مشابه میگ 21) در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و آموزش خلبانان، مهندسین و تکنسینهای سپاه در چین آغاز شد.[21] هفته‌نامه جیمز دیفنس چاپ لندن و فایننشال تایمز تعداد هواپیماهای تحویلی را دوازده فروند از بیست‌وچهار فروند جنگنده شینانک اف 6 ، نوع کاملتر میگ 19 روسی نوشتند.[22] بر اساس این گزارشها، میزان خرید سلاح ایران از چین در شش‌ماهه اول 1365 به سیصدمیلیون‌دلار بالغ گردید و چین به بزرگترین عرضه‌کننده سلاح به ایران تبدیل شد. استدلال چین در مقابل فشارهای غرب این بود که ایران از این سلاحها علیه شوروی در افغانستان استفاده می‌کند.[23]

در بهمن‌ماه 1365، طه یاسین رمضان به چین سفر کرد و در آنجا اعلام کرد که علیرغم گزارشهای مربوط به این موضوع که چین تامین‌کننده اصلی اسلحه برای ایران محسوب می‌شود، بغداد به بی‌طرفی چین در قبال جنگ ایران و عراق اطمینان دارد. در پی این سفر بود که اعلام شد عراق به موشکهای زمین به هوا با طول 46/10 متر و وزن 2211کیلو گرم تجهیز شده است.[24]

در آغاز سال 1366، چین سی فروند جنگنده بمب‌افکن چیانگ ــ 6 و چیانگ ــ 7 نوع چینی میگهای 19و21 روسی و هشتاد فروند موشک کرم ابریشم و چهل فروند موشک زمین به زمین از نوع اسکاد بی از طریق کره شمالی به ایران فرستاد. در فروردین این سال، یک کشتی باری چین هدف حمله دو قایق تندروی ایرانی در خلیج‌فارس قرار گرفتند که محکومیت شدید چین را به همراه داشت. در این سال هم پکن قاطعانه گزارشهای مربوط به فروش اسلحه به ایران را رد کرد و بر موضع بی‌طرفی خود پای فشرد.

با گسترش جنگ به خلیج‌فارس، چین نگرانی خود را در خصوص امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز ابراز و اعلام کرد که قصد دارد در همکاری با امارات متحده عربی بر تلاشهای مشترک جهت خاتمه‌دادن به جنگ ایران و عراق بیفزاید. این کشور بر ضرورت افزایش تلاشهای بین‌الملل و همه‌جانبه دو کشور به منظور خاتمه‌دادن به جنگ ایران و عراق از طریق مسالمت‌آمیز تاکید کرد. نخست‌وزیر چین در اردیبهشت سال 1366 اعلام کرد که هیچ‌یک از طرفین درگیر جنگ نمی‌تواند برنده این جنگ باشد و ادامه آن مصائب بیشتری برای مردم دو کشور در پی خواهد داشت. به‌همین‌جهت، چین رایزنیهای خود را برای خاتمه جنگ افزایش داد و وزیرخارجه چین در سفری به منطقه، در دیدار با هیاتی از اتحادیه عرب، اعلام کرد که جنگ هفت‌ساله ایران و عراق امنیت منطقه را بیش‌ازپیش به خطر انداخته است و از هر تلاش بین‌المللی برای خاتمه جنگ استقبال کرد.[25] علاوه‌براین، پکن بر تلاشهای خود در شورای امنیت سازمان ملل افزود و هوانگ جیاهو، نماینده دائم آن کشور در مقر ملل متحد، در جلسه شورای امنیت طی سخنانی در بیستم ژوئیه 1987 از اصطلاح جنگ (War) استفاده کرد؛ این‌درحالی‌بودکه در عنوان دستور جلسه از عبارت وضعیت بین ایران و عراق استفاده شده بود. وی بر موضع بی‌طرفی کامل کشورش در جنگ تاکید نمود و اعلام کرد چین برای زودترخاتمه‌دادن به جنگ و به‌خاطر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با احساس مسئولیت کامل هر کوششی را به عمل خواهد آورد.[26] چین به قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل رای موافق داد و اعلام کرد در صورت خودداری ایران از پذیرفتن قطعنامه، از ممنوعیت فروش اسلحه به ایران با نظارت سازمان ملل حمایت خواهد کرد.[27] در همین ایام، در پی استقرار موشکهای کرم ابریشم توسط ایران در جزیره قشم برای کنترل تنگه هرمز و مقابله با تشدید جنگ نفتکشها از سوی عراق، خصوصا پس‌ازآنکه دولت کویت قطعات موشک کرم ابریشم اصابت‌‌کرده به بندر الاحمدی آن کشور در چهارم سپتامبر 1987 (سیزدهم شهریور 1366) را با علامت ساخت چین برای نمایندگان پنج عضو دائمی شورای امنیت در نیویورک به نمایش گذاشت، فشارهای سیاسی و تبلیغاتی علیه چین به‌شدت افزایش یافت.

در واکنش به این فشارها پکن به‌ناچار با اذعان به دستیابی ایران به موشکهای ساخت آن کشور، اعلام کرد که احتمال دارد ایران موشکهای چینی را از بازار بین‌الملل خریداری کرده باشد.[28] سفیر چین در کویت نیز بدون ذکر نامی از ایران، گسترش جنگ به خلیج‌فارس را محکوم کرد.[29]

در نیمه دوم سال 1366، با افزایش تلاش امریکا و انگلیس در جهت تهیه طرح تحریم تسلیحاتی ایران و ارائه آن به شورای امنیت، چین اعلام کرد در صورت رای مثبت اکثریت اعضای شورای امنیت به تحریم تسلیحاتی، آن را وتو خواهد کرد. در این زمان با فعال‌شدن دستگاه دیپلماسی ایران، مذاکرات گسترده‌ای با مقامات چینی و روسی و فرانسوی انجام شده بود و در آنان این نظر ایجاد شده بود که جمهوری اسلامی ایران علاقمند به مذاکره برای پایان جنگ است. این کشورها، به همراه آلمان فدرال، با طرح تحریم تسلیحاتی امریکا به مخالفت برخاستند. پکن قطعنامه 598 را اساس خوبی برای حل سیاسی جنگ ایران و عراق دانسته و بر پذیرش بی‌قیدوشرط تاکید داشت. در پی اعلام مخالفت چین با طرح تحریم تسلیحاتی ایران، طارق عزیز، وزیرخارجه وقت عراق، در اسفندماه 1366 وارد پکن شد تا نظر آن کشور را درباره اجرای قطعنامه 598 و تحریم تسلیحاتی ایران جلب کند؛ اما با پاسخ منفی مواجه شد.[30]

جمهوری خلق چین در رای‌گیری کلیه قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در طول هشت سال جنگ ایران و عراق شرکت داشت و در تمام تصمیم‌گیریهای آن شریک بود.[31] بر اساس گزارشها و اسناد موجود، چین در طول سالهای1987ــ1980 (1359 تا 1366) قراردادهای تسلیحاتی به ارزش 2/8 میلیارد دلار با طرفین جنگ امضاء کرد که هفتادوچهاردرصد کل معاملات تسلیحاتی چین با کشورهای جهان سوم در طی این مدت را شامل می‌شود. در سالهای 1980 تا 1983 (1359 تا 1362) چین با عراق معادل 6/3 میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی به امضاء رساند که این مبلغ شصت‌ویک درصد از مجموع 9/5 میلیارد دلار فروش تسلیحات آن کشور به تمام کشورهای جهان سوم بوده است. در طول همین مدت، چین سلاح کمتری به ایران فروخت. از سال 1984 تا 1987(1363 تا 1366) چین طی قراردادهایی توافق کرد که 5/2 میلیارد دلار به ایران و 5/1 میلیارد دلار به عراق سلاح بفروشد.[32] در این سالها چین دو سوم کلیه تجهیزات نظامی ایران را تامین می‌کرد و بزرگترین تامین‌کننده تسلیحات ایران بود.[33] دولتمردان چینی علیرغم سفرهای مقامات بلندپایه ایرانی به آن کشور در طول جنگ، به دلیل ملاحظات سیاسی از سفر به ایران اکراه داشتند و هرگاه پیشنهادی مطرح می‌شد، لزوم رعایت توازن بین ایران و عراق در این خصوص را مطرح می‌کردند.[34]

پی‌نوشت‌ها

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

[1]ــ وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران، کتاب سبز چین، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1375، صص23 و 21

[2]ــ فصلنامه خاورمیانه، صص1015ــ1011

[3]ــ نوذر شفیعی، «سیاست خارجی چین و جنگ تحمیلی»، فرهنگ پایداری، پیش شماره هفتم، آذر 1381، ص57

[4]ــ منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، 1371، ص22

[5] - U.N Year Book 1980, p.314

[6]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن چین.

[7]ــ شرف‌علی جلولی، بررسی تحلیلی روابط جمهوری اسلامی ایران و خلق چین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. 3ــ1372، ص78 ؛ کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، 1373، ص311

[8]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن چین.

[9]ــ Facts on File, 1986, p.636 ؛ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رویدادها و تحلیل، ش33، 13/4/1361، صص14ــ13

[10]ــ شرف‌علی جلولی، همان، ص78

[11]ــ نوذر شفیعی، همان، ص57؛ رویدادها و تحلیل، ش13، 25/8/64، ص15

[12]ــ روابط عمومی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گزیده مطبوعات جهان، ش14، 27/8/1363، صص5ــ1 ؛ هادی نخعی، روزشمار جنگ ایران و عراق، ج 33، تجدید رابطه رسمی امریکا و عراق، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، 1379 ، ص280

[13]ــ روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همان، ص85 ؛ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان؛ هادی نخعی، همان، صص963 و 933

[14]ــ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تنبیه متجاوز، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چ اول، ص185؛ نوذر شفیعی، همان، ص57 ؛ رویدادها و تحلیل، ش25، 24/8/65، ص13ــ12

[15]ــ رویدادها و تحلیل، ش7، 19/2/1364، ص15

[16]ــ همان، ش14، صص17 و 18

[17]ــ همان، همان،ش13، 25/8/64، ص15

[18]ــ همان، ش10، 17/5/1364، ص20

[19]ــ همان، ش10، 17/5/1364، ص21ــ20

[20]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان؛ پارسادوست، همان، صص612 و 648

[21]ــ رویدادها و تحلیل، ش23، 25/6/65، ص22

[22]ــ همان، ش24، 28/7/65، ص18ــ17 و همان، ش29، 24/8/65، ص12

[23]ــ همان، ش24، 28/7/65، ص18ــ17

[24]ــ همان، ش29، 24/12/65، ص12

[25]ــ اسناد بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان.

[26]ــ پارسادوست، همان، صص676، 677 و 722

[27]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان.

[28]ــ پارسادوست، همان، صص545 و 576

[29]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان.

[30]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان؛ منوچهر پارسادوست، همان، صص526 و 686 ؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، همان، ص341 ؛ معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد، گاه‌شمار جنگ ایران و عراق 1987 (از دی‌ماه 1365 تا آذر 1366)، تهران، چاپ و انتشار دانشکده فرماندهی و ستاد، 1377، ص147

[31]ــ U.N Year book 1980-1988؛ منوچهر پارسادوست، همان، ص635

[32]ــ رویدادها و تحلیل، ش31، صص16 و 28؛ ش35، ص14

[33]ــ اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن چین، معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد، همان، ص101؛ نوذر شفیعی، همان، ص57

[34]ــ وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص218